

فرا تحلیل پژوهش های انجام شده

در خصوص نقش عوامل مؤثر بر

بسیج همگرایانه اقوام

کریم مهري*

بهجت یزدخواستی**

محمدحسین پناهی***

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی فرا تحلیل پژوهش های انجام شده در خصوص قومیت در ایران است. برای این منظور با استفاده از روش فرا تحلیلی، مطالعاتی گردآوری شد که به قومیت پرداخته بود. برای گردآوری مطالعات از کلیدواژه های مرتبط استفاده شد و جست و جوی در سایت ها و پایان نامه های تحصیلات تکمیلی دانشگاه ها صورت پذیرفت. در نهایت مطالعاتی که با معیارهای ورود به فرا تحلیل همخوانی داشتند گزینش و اطلاعات مورد نظر برای آزمون فرضیات با پرسشنامه معکوسی استخراج شد که نویسنده تهیه کرده بود. از ده مطالعه گزینش شده آمارهای مناسب برای محاسبه اندازه اثر و اطلاعات مورد نیاز دیگر ثبت و با نرم افزار CMA2 به محاسبه اندازه اثرها و تجزیه و تحلیل فرضیات اقدام شد. نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که در مجموع متغیرهای مستقل شناسایی شده بر بسیج سیاسی همگرایانه و هویت ملی مؤثر بوده است. مقدار اندازه اثر تلفیق شده $0/708$ تا $0/7$ قرار دارد، طبق دسته بندی کوهن متوسط ارزیابی می شود. نتایج همچنین نشان دهنده ای بین $0/8$ تا $0/7$ قرار دارد، طبق دسته بندی کوهن متوسط ارزیابی می شود. نتایج همچنین نشان می دهد متغیرهایی نظیر داشتن مبنای نظری، احترام به آداب و رسوم، مذهب و زبان اقوام، استفاده از نخبگان اقوام در مناسب سیاسی یا رویکرد تعاملی با دولت، تأکید بر اشتراکات و افتراقات مذهبی و احساس تبعیض اقتصادی و فرهنگی به لحاظ آماری تأثیر معناداری بر بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و هویت ملی داشته است. برای دستیابی به بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و هویت ملی و همبستگی ملی باید کاهش محرومیت و تبعیض اقتصادی، تأکید بر اشتراکات مذهبی، احترام به زبان و آداب و رسوم و رعایت قانون مربوط به اقوام را مد نظر قرار داد.

واژگان کلیدی

هویت قومی، تبعیض اقتصادی، استفاده از نخبگان، نگرش مذهبی، زبان قومی، فرا تحلیل، اندازه اثر، رویکرد تعاملی.

Email: kmehrik@yahoo.com

Email: b.yazdkasti@ltr.ui.ac.ir

Email: mhpanahi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۲۱

فصلنامه راهبرد/سال بیست و سوم/شماره ۷۳/ زمستان ۱۳۹۳/ صص ۱۱۴-۹۳

*دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

** عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

*** عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ ارسال: ۹۳/۲/۱۹

جستارگشایی

بسیج سیاسی فرایندی است که افراد با ایجاد وفاداری اعضا به یک سازمان یا رهبر، آمادگی گروه برای عمل جمعی را افزایش می‌دهند (پناهی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴). بر مبنای تعاریف بسیج سیاسی می‌توان بسیج سیاسی قومی را باز تعریف کرد: بسیج سیاسی قومی فرایندی است که قومیت‌ها با ایجاد وفاداری اعضا به یک سازمان یا رهبر، بر مبنای مسائل قومی، آمادگی گروه را برای عمل جمعی افزایش می‌دهند. برخی از متفکران معتقدند اهمیت بسیج قومیت‌ها در جامعه سیاسی مدرن از اهمیت کشمکش طبقاتی به مراتب بیشتر است. در این خصوص راگین می‌نویسد: «مارکسیست‌ها و نئومارکسیست‌ها بسیج سیاسی قومیت^۱ را به‌مثابه نیروی دارای پتانسیل گسیختگی^۲ در جامعه سیاسی مدرن^۳ می‌بینند. نایرن^۴، مارکسیست معروف، اظهار می‌کند که جنبش جدایی طلب سلتیک (جنبش قومی) در بریتانیا می‌تواند جایگزین کشمکش طبقاتی شود؛ یعنی می‌توان جنبش قومی در بریتانیا را تهدید اصلی وحدت نظام سیاسی بریتانیا دانست و نقش آن را از کشمکش طبقاتی بارزتر دانست. لیپست، روکان و آلفرد بسیج قومی بحرانی شده را تهدید یکپارچگی نظام سیاسی می‌دانند و معتقدند بسیج قومی توانسته است تسلط شکاف‌های کارکردی^۵ مورد انتظار جامعه سیاسی مدرن را تحت الشعاع قرار دهد» (Ragin, 1979, p.619). ظهور بسیج قومیت‌ها به جامعه سیاسی بریتانیا محدود نمی‌شود. در تمامی جوامع چندقومی ظهور و بروز جدید یافته است. در واقع بسیج سیاسی قومیت‌ها در تمامی سیاست‌های جوامع چندقومی بعد از جنگ جهانی اهمیت ویژه‌ای یافته است. حتی می‌توان گفت علت بیشتر خشونت‌های سطح ملی در سه دهه اخیر منبع بیرونی نبوده، بلکه در تضاد قومی درونی ریشه داشته است (Saeid and Simmons, 1976, p.16). اهمیت بسیج قومی آنقدر زیاد است که برخی از اندیشمندان در تعریف قومیت، قابلیت بسیج شدن را شاخص مهم قومیت می‌دانند. ال^۶ قومیت را فرایندی اجتماعی و روان‌شناختی می‌داند که به واسطه آن افراد با یک گروه و برخی از جنبه‌های فرهنگ آن گروه ارتباط می‌یابند و از این حیث عبارت است از آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی آن تفاوت و همچنین بسیج شدن بر اساس آن تفاوت (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰). در تعریف یادشده بسیج شدن بر اساس تفاوت‌ها شاخص مهم قومیت لحاظ شده است. اما آیا در دنیای معاصر و مدرنیته امکان بروز و ظهور بسیج قومیت‌ها

1. Ethnic political Mobilization
2. Disintegrative Force
3. Modern polity
4. Nairn
5. Functional Cleavages
6. Eller

وجود دارد؟ بر اساس نظریه‌های اجتماعی کلاسیک، نیروهای سیاسی و اقتصادی متناظر با سرمایه‌داری غربی فرهنگ‌های محلی و قومی را تضعیف و به تدریج تفاوت‌های فرهنگی بین‌المللی را نیز محو می‌کند و از اهمیت تفاوت‌های قومی و فرهنگی به‌مثابه مبنایی برای کنش اجتماعی کاسته می‌شود و امکان بسیج سیاسی قومی کاهش می‌یابد. اما تجربه چند دهه اخیر، به‌ویژه اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، با این انتظارات در تضاد است. خیزش مجدد بسیج سیاسی قومی در هر گوشه اروپای غربی و جهان رخ داد. این ایده که کشورهای اروپای غربی منسجم و جوامع سیاسی مدرنی هستند دیگر نقض شده است که اپوزیسیون‌های قومی و فرهنگی جدی در آنها جایی ندارند. بی‌تردید عوامل متعدد می‌تواند در شکل‌گیری مناقشات قومی تأثیر داشته باشد. مذهب و زبان یکی از عوامل اصلی این مناقشات بوده است؛ در کنار عوامل ذکرشده، نخبگان داخلی و کشورهای بیگانه نیز در شکل‌دهی به بسیج اقوام نقش دارند که در بیشتر موارد از مذهب، تفاوت زبان، تبعیض اقتصادی^۶ اجتماعی موجود در جامعه به‌مثابه ابزاری برای تحریک اقوام استفاده می‌کنند. در ایران نیز در سال‌های اخیر مسائل قومی مرکز توجه مقامات بلندپایه کشوری، سیاستگذاران و محققان قرار گرفته است. انباشت فراوان مطالعات مربوط به مسائل قومی در قالب طرح‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و مقالات منتشرشده و منتشرنشده، ضرورت اجرای مطالعه‌ای فراگیر با روش‌های نیرومند و عینی را به‌منظور تعیین اندازه اثر متغیرهای مؤثر بر هویت قومی، مقایسه و تلفیق نتایج آنها را دوچندان می‌کند. با وجود تحقیقات بسیار در زمینه هویت قومی هنوز ارزیابی همه‌جانبه‌ای از اندازه اثر متغیرهای مبین در کشورمان صورت نپذیرفته است.

در پژوهش حاضر تلاش بر این است که با مروری جامع و نظام‌مند و با روش فراتحلیلی^۷ اندازه اثر متغیرهای مؤثر بر بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و هویت ملی را ارزیابی کنیم که در کشورمان اجرا شده است. در این خصوص به محاسبه، مقایسه و تلفیق نتایج در قالب آماره اندازه اثر^۸ می‌پردازیم که شاخصی عینی، یکدست و مقایسه‌شدنی و نیز برآوردی از شدت اثرگذاری متغیرهای مؤثر است. همچنین با کدگذاری و تلخیص ویژگی‌ها و اجزای روشی، نظری و ویژگی‌های دیگر تحقیقات انجام‌شده علاوه بر آنکه توصیفی جامع از این ویژگی‌ها ارائه می‌شود، به تأثیر این ویژگی‌ها بر نتایج تحقیقات نیز پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر هدف اصلی این مقاله بررسی میزان اندازه اثر متغیرهای مؤثر بر بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و هویت ملی است.

7. Meta-Analysis

8. Effect Size

پیشینه تحقیق. در ایران هرچند محققان مطالعه فراتحلیلی درباره بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و هویت ملی انجام نداده‌اند، برخی صاحب‌نظران و محققان ضرورت ارزیابی تأثیر متغیرهایی نظیر تبعیض اقتصادی، مذهب، زبان و... بر هویت قومی و گرایش‌های گریز از مرکز برخی اقوام را پیش از این گوشزد کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به تحقیق دکتر چلبی و همکارانش در پژوهشی با عنوان «هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران» اشاره کرد که رابطه بین اقوام به‌منظور شکل‌گیری یک اجتماع ملی فراگیر را بررسی می‌کند. پژوهشگران برای این منظور پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، کرد و لر را مطالعه کرده‌اند. انسجام و یکپارچگی ملی در جوامع چندقومی متأثر از کم و کیف روابط بین اقوام و نیز متأثر از روابط دولت - قوم است که در تشکیل دولت ملی ظهور پیدا می‌کند. این پژوهش به دنبال کشف کم و کیف رابطه بین قومی در ایران، میزان تعلق و وفاداری اقوام به هویت ملی و تأثیر تأثیر روابط بین قومی بر هویت ملی است. جامعه آماری این پژوهش، اقوام یادشده و نمونه آماری آن ۳۵۹۷ نفر پاسخ‌گوی بالای ۱۸ سال است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با افزایش همکاری‌های بین قومی، تعلق و وفاداری اقوام به هویت ملی و اجتماع ملی افزایش پیدا می‌کند و در مقابل با افزایش تعارضات و خصومت‌های قومی، تعلق و وفاداری اقوام به هویت ملی تضعیف می‌شود. این تحقیق هویت ملی را دارای سه بعد می‌داند که عبارت است از: تعلق خاطر مشترک به نمادهای ملی، وفاداری مشترک به وطن، دین و مردم و سرانجام میراث فرهنگی مشترک. بین اقوام مذکور اقوام بلوچ و لر بیش از دیگر اقوام به اجتماع ملی ابراز تعلق و وفاداری کرده‌اند (چلبی و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۲۵). در پژوهش یادشده به ضرورت اجرای فراتحلیل بر مسائل قومی اشاره‌ای نشده است، اما فقدان ارزیابی اندازه‌اثر به خوبی تشخیص داده شده است.

سؤال تحقیق و فرضیات. سؤال اصلی تحقیق حاضر عبارت است از اینکه «چه متغیرهای بر هویت قومی - ملی و بسیج سیاسی همگرایانه اقوام مؤثر است؟» فرضیات تحقیق حاضر در پاسخ به این سؤال محوری و اصلی تحقیق تدوین شده است. در تدوین فرضیات تلاش شده است که فرضیات پشتوانه نظری و تجربی مناسبی داشته باشد. به عبارت دیگر فرضیات تدوین شده بر مبنای دانش نظری و تجربی ساخته و پرداخته شود. در مجموع در این فراتحلیل پنج فرضیه تدوین شده است که عبارت است از: تحقیقات مسائل هویت قومی که بر مبنای نظری ساخته و پرداخته شده است، در مقایسه با تحقیقاتی که فاقد مبنای نظری است، اندازه اثر بیشتری دارد و اندازه اثر بزرگ‌تری را به‌وجود می‌آورد». فرض بر این است که تحقیقاتی که بر مبنای الگوهای نظری بنا شده است، در دستیابی به اهداف خود موفق‌تر است. در واقع داشتن مبنای نظری به اندازه‌اثر دقیق‌تر کمک می‌کند. استفاده از نخبگان قومی بر

کاهش گرایش‌های گریز از مرکز قومیت‌ها و بسیج سیاسی همگرایانه اقوام کمک می‌کند. در واقع مواردی که از نخبگان گروه‌های قومی در مناسب سیاسی بهره گرفته شده باشد، در تعامل میان دولت و اقوام به نحوه بهتری نیازهای اقوام به دولت منتقل شده است. یکی از علل تراکم خواست‌های قومی پاسخ‌نیافته این است که از گروه‌های قومی هیچ کس در ساختار سیاسی حضور ندارد تا از این طریق بتواند تقاضاهای قومی را به ساختار دولت منتقل کند. در صورت حضور اقوام در ساختار سیاسی برای دولت‌ها نیز تعامل و شناسایی تقاضاهای اقوام بسیار بهتر صورت می‌گیرد. تأکید بر اشتراکات مذهبی کمک بیشتری به بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و هویت ملی می‌کند. در مذهب همواره اشتراکات و افتراقاتی وجود دارد که در صورت تأکید بر افتراقات، تخم کینه و نفرت به هم‌نوع خود بیشتر و در صورت تأکید بر اشتراکات مذهبی حس انسانیت و حس تعلق ملی در افراد تقویت می‌شود. هرچه احساس تبعیض اقتصادی و فرهنگی بیشتر و طولانی‌تر باشد، اندازه اثر آن نیز بزرگ‌تر است. به عبارت دیگر رفع احساس تبعیض و محرومیت بر بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و همبستگی ملی کمک بیشتری می‌کند. احترام به آداب، رسوم و زبان قومی از سوی گروه قومی مسلط به بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و همبستگی ملی کمک می‌کند. در واقع محققانی که متغیر پیشین را متغیر اثرگذار می‌دانند، بر نقش اثرگذار این متغیر بر بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و هویت ملی بیشتر واقف شده‌اند.

متغیرهای تحقیق، نحوه سنجش آنها و ابزار اندازه‌گیری

متغیر وابسته تحقیق حاضر بسیج سیاسی همگرایانه اقوام و هویت قومی است که با محاسبه اندازه‌اثر به دست آمده است. اندازه‌اثر طبق تعریف عبارت است از سنج‌های یک‌دست و عینی که در واحد انحراف معیار محاسبه می‌شود و تفاوت‌های کمی در متغیرهای مؤثر بر بسیج سیاسی همگرایانه اقوام را می‌توان از فرمول‌های ایدنگتون محاسبه کرد. در آن فرمول‌ها به دلیل آنکه اندازه اثر در واحد انحراف معیار محاسبه می‌شود، در نتیجه قابلیت ارزیابی و مقایسه اندازه‌اثرهای مؤثر مختلف را بین مطالعات گوناگون دارد. نمونه‌ای از تبدیل شاخص‌ها در نگاره شماره (۱) آمده است:

نگاره شماره (۱) - فرمول‌های تبدیل شاخص‌ها به r

توضیحات	فرمول تبدیل به r	شاخص به کار رفته در آزمون
$r = \Gamma$ همبستگی	$r = \frac{2r}{\sqrt{1-r^2}}$	t
این فرمول برای t همبسته و مستقل کاربرد دارد	$r = \frac{t^2}{\sqrt{t^2 + df}}$	r

F	$r = \frac{F}{\sqrt{F + df}}$	این فرمول برای df=1 کاربرد دارد
x	$Fr = \sqrt{\frac{\chi^2}{N}}$	این فرمول برای df=1 کاربرد دارد، N=حجم نمونه
Z	$r = \frac{Z}{\sqrt{N}}$	N=حجم نمونه
	$r = \frac{2}{\pi} \text{Sin}^{-1} \tau$	$\tau = \tau$ کندال
d	$r = \frac{d}{\sqrt{d^2 + 4}}$	d=d کوهن
d	$r = \frac{d}{\sqrt{d^2 + \frac{4(N-2)}{N}}}$	N=حجم نمونه

(منبع: ولف ۱۹۸۷، شریفی ۱۳۸۰ و روزنتال ۱۹۹۱)

روش‌های مختلفی برای محاسبه و برآورد اندازه‌اثر و آماره‌های دیگر فراتحلیل وجود دارد که در اینجا مجال پرداختن به آنها وجود ندارد. فقط به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که هگز (۱۹۸۲) و هگز و الکین^۱ (۱۹۸۵) از روش‌های آماری توسعه داده شده استفاده کرده‌اند. متغیرهای مستقل تحقیق نیز عبارت است از: داشتن / نداشتن مبنای نظری در تحقیقات هویت قومی، تبعیض اقتصادی و محرومیت، استفاده از نخبگان قومی در مناسب سیاسی، مذهب، احترام به آداب، رسوم و زبان قومی و غیره. ابزار اندازه‌گیری در مطالعات فراتحلیلی عموماً پرسشنامه معکوس است. در فراتحلیل حاضر نیز با استفاده از پرسشنامه معکوس که تیم تحقیق آن را تهیه و تنظیم کرده است، برای کدگذاری و تلخیص تحقیقات انجام شده استفاده شده است. در این پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه اندازه‌اثر و متغیرهای مستقل ثبت شد.

چارچوب مفهومی. ماکس وبر معتقد است که گروه‌های قومی، گروه‌های انسانی دارای باوری ذهنی به اجداد مشترک هستند. باوری که دلیل آن می‌تواند شباهت‌های فیزیکی، شباهت در رسوم، حافظه و خاطرات مشترکی باشد که با یکدیگر در کوچ و سکونت داشته‌اند. فردریک بارث نیز درباره قوم چنین می‌گوید: واژه گروه قومی در حوزه انسان‌شناسی معمولاً به جمعیتی اطلاق می‌شود که دارای خودمختاری زیادی در بازتولید زیستی خود باشند، ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترکی داشته باشند که درون اشکال فرهنگی با وحدت آشکاری

گرد هم آمده باشند و یک میدان ارتباطی و کنش متقابل بسازند، دارای یک احساس تعلق به یک واقعیت بیرونی باشند که آنها را از دیگران تفکیک کند (برتون، ۱۳۸۰، ص ۲۳۳). الر قومیت را فرایندی اجتماعی و روان‌شناختی می‌داند که به واسطه آن افراد با یک گروه و برخی از جنبه‌های فرهنگ آن گروه ارتباط می‌یابد و از این حیث عبارت است از: آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی آن تفاوت و همچنین بسیج شدن بر اساس آن تفاوت (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۰). در تعریف پیشین بسیج شدن بر اساس تفاوت‌ها شاخصه مهم قومیت لحاظ شده است. اهمیت بسیج قومی آنقدر زیاد است که برخی از اندیشمندان در تعریف قومیت، قابلیت بسیج شدن را شاخصه مهم قومیت می‌دانند.

بسیج سیاسی قومیت.^{۱۰} بسیج سیاسی قومی فرایندی است که قومیت‌ها با ایجاد وفاداری اعضا به یک سازمان یا رهبر بر مبنای مسائل قومی، آمادگی گروه قومی برای عمل جمعی را افزایش می‌دهند (پناهی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴).

بنیان زبان‌شناختی.^{۱۱} میزان مهم شناخته شدن زبان قومی برای بخش زیادی از جمعیت قومی است (Ragin, 1979, p.623).

همبستگی ملی.^{۱۲} احساسی است که مفهوم تعیین هویت و وفاداری را دربردارد، بدین ترتیب در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن به‌وجود می‌آید، بدون آنکه آنها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند (بشیریه، ۱۳۸۷، ص ۳). **مذهب.**^{۱۳} مذهب تمام یا بخشی از دستورات دینی (اعم از عقاید، اخلاقیات و احکام) را شامل می‌شود و دینداری عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش که این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر قدسی) و رابط ایمانی با اوست، سامان می‌پذیرد (طالبان، ۱۳۸۰، ص ۴۹).

چارچوب نظری. عوامل مؤثر بر بسیج سیاسی قومیت متعدد است و یک نظریه واحد و مورد وفاق در خصوص تبیین بسیج سیاسی قومیت وجود ندارد. از این رو، در این قسمت پس از ارائه خلاصه برخی نظریات تلاش خواهد شد چهارچوب نظری تلفیقی تدوین شود. نظریه کهن‌گرایی قومیت که در آثار گیرتز و برگه به آن اشاره شده است، بر تأثیر هویت و احساسات کهن در یک گروه بر بسیج جمعی قومی تأکید می‌کند. در نقد این رویکرد می‌توان گفت صرف داشتن احساسات کهن برای سیاسی شدن قومیت کافی نیست. به نظر حمید احمدی (۱۳۷۹)،

¹⁰. Ethnic Political Mobilization

¹¹. Linguistic Bases

12. National Solidarity

13. Religion

تجربه ایران نشان می‌دهد که دیدگاه کهن‌گرا برای توضیح سیاسی شدن اختلافات زبانی-مذهبی در ایران مناسب نیست. در قرون گذشته چنین درکی از تفاوت‌های زبانی-مذهبی در ایران وجود داشت، اما این دیدگاه تا اواسط قرن بیستم باعث نشد این تمایزات سیاسی شود. سیاسی شدن این تفاوت‌ها و ایجاد حرکت‌های سیاسی مبتنی بر آن در ایران پدیده‌ای مدرن است؛ زیرا منافع ابزارگرایانه عامل اصلی سیاسی شدن علایق کهن زبانی-مذهبی بوده است. در ذیل به برخی از نظریه‌های ابزارگرایانه و برساخت‌گرایانه اشاره می‌شود که چارچوب نظری از آن استخراج شده است. یکی از نظریه‌های تبیین‌کننده بسیج سیاسی اقوام دیدگاه توسعه^{۱۴} است. اندیشه‌های روکان و لیپست^{۱۵} این دیدگاه را پشتیبانی می‌کنند. به‌طور خلاصه، روکان و لیپست استدلال می‌کنند که انواع متفاوت شکاف‌های سیاسی در زمان‌های متفاوت توسعه جامعه سیاسی مدرن بروز می‌کند. از دیدگاه آنها در جوامع سیاسی اروپای غربی شکاف‌های کارکردی منشعب‌شده از منافع اقتصادی^{۱۶} بر شکاف‌های سیاسی مبتنی بر آشخور فرهنگی پیشی گرفته است. قومیت در این دیدگاه، به لحاظ فرهنگی و اجتماعی متمایز و از نظر جغرافیایی به حاشیه رانده شده است و به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در مقایسه با مرکز در انزوای نسبی قرار دارد. بسیج سیاسی قومی به دلیل ایجاد فاصله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خرده‌ملت (قومیت) با بقیه ملت صورت می‌گیرد. قومیت در دیدگاه توسعه‌ای احساس بدوی^{۱۷} تلقی می‌شود که در جوامع محکوم به فناست که تفکیک اجتماعی ساختاری زیادی را می‌گذرانند. بنابراین بسیج قومی در جامعه‌ای مدرن پدیده‌ای نامعمول تلقی می‌شود. بسیج قومی فقط زمانی ممکن است که در جذب خرده‌ملت‌ها به درون زندگی اقتصادی ملی خللی رخ داده باشد. لیپست و روکان این نوع نگاه به بسیج قومی را در تحلیل شکاف‌های سیاسی کشورهای اروپای غربی به کار برده است. براساس این دیدگاه مبنای اصلی بسیج سیاسی قومی فقر نسبی نیست، بلکه مبنای اصلی ناتوانی هیئت حاکمه در یکپارچه کردن خرده‌ملت با کل ملت است (Ragin, 1979, p.620).

یکی دیگر از دیدگاه‌های تبیین‌کننده بسیج سیاسی اقوام دیدگاه واکنش قومی^{۱۸} است. واکنش قومی بر این باور است که تخصیص خاص‌گرایانه نقش‌ها و منابع ارزشمند به گروه قومی مسلط اصلی‌ترین دلیل بسیج سیاسی قومی است. تخصیص خاص‌گرایانه در جوامع با هر سطح از تفکیک ساختاری^{۱۹} رخ می‌دهد. بدین ترتیب هویت قومی در جوامع مدرن به دلیل

14. The Developmental Perspective

15. Lipset and Rokkan

16. Economic Interest

17. Primordial Sentiment

18. The Reactive Ethnicity Perspective

19. Structural Differentiation

روی هم قرار گرفتن قومیت و طبقه اجتماعی حفظ می‌شود. گلنر و هکتر^{۲۰} دو نظریه‌پرداز این دیدگاه هستند. بر اساس نظر گلنر توسعه سریع به شکل ناموزون دلیل اصلی بسیج سیاسی قومیت است که در آن اعضای فرهنگ مسلط، خود را بنیان اصلی توسعه و به‌طور خاص صنعتی شدن جامعه می‌دانند و گروه‌های قومی دیگر را حاشیه‌ای، دنباله‌رو یا بیگانه تلقی می‌کنند. بنابراین از دیدگاه گلنر بسیج قومی را باید محصول اعمال انحصاری همزمان با صنعتی شدن ناموزون دانست. هکتر بیان می‌کند قوم مسلط از طریق نشانه‌های فرهنگی نسبتاً ظریف^{۲۱} اقوام دیگر را محدود می‌کند. از دیدگاه هکتر اعمال محدودساز یقوم مسلط به‌شدت با تبعیت اقتصادی و فرهنگی دیگر اقوام منطبق است. هکتر نظریه واکنش قومی را با استدلال‌های مارکسیست‌های کلاسیک و دیدگاه‌های مربوط به استعمار درونی پیوند می‌زند. هکتر از مفهوم تقسیم کار فرهنگی^{۲۲} برای تبیین نحوه توسعه پیرامون مستعمره‌نشین درونی استفاده کرده است. او بیان می‌کند توسعه پیرامونی، یعنی استعمار درونی، را نیازهای توسعه‌گران مرکز تعیین می‌کنند. مارکس و انگلس از آن چیزی برای توصیف همبستگی طبقاتی^{۲۳} استفاده کرده‌اند که هکتر آن را همبستگی قومی^{۲۴} توصیف کرده‌است. زمینه‌های همبستگی قومی عبارت است از: ۱. نابرابری اقتصادی ذاتی، ۲. پذیرش این نابرابری به‌مثابه ستم جمعی، ۳. ارتباط کافی میان اعضای گروه ستم‌دیده (Ragin, 1979, p.621). رابرت گر نیز کتابی با عنوان *تضاد قومی و کشمکش‌های قومی در سیاست‌های جهانی* به نگارش درآورده که به نظریه واکنش قومی بسیار نزدیک است. تد رابرت گر معتقد است زمانی که قومیتی از طرف گروه‌ها یا دولت به شیوه‌های متفاوت مورد تهدید و تعدی قرار گیرد، باید انتظار داشت جنبش قومی در آن رخ دهد. بنابراین از نظر وی، بیشتر جنبش‌های قومی در دهه‌های پایانی قرن بیستم در پاسخ به تهدیدات محیط سیاسی مانند انکار یا تبعیض ظهور یافته‌اند. رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی^{۲۵} نیز تغییر تهدیدآمیز مقتضیات اجتماعی و سیاسی محیطی را پایه‌ای برای عمل و بسیج سیاسی هویت‌های قومی در برابر سیاست‌های قومی دولت می‌داند. از این طریق مسئله قومیت به امری سیاسی و امنیتی برای دولت تبدیل می‌شود (Ted Gurr, 1994, p.99). در مرکز الگوی استعمار داخلی هیکر مفهوم تقسیم کار فرهنگی وجود دارد. این مفهوم بر الگویی از تبعیض ساختاری ناظر است که افراد با توجه به خصائص و علائم فرهنگی

20. Gellner and Hechter

21. Exclusion

22. Cultural Division of Labor

23. Class Solidarity

24. Ethnic Solidarity

25. The Social Constructionist Approach

محسوسی مجبورند تا نوع حرفه یا نقش‌های اجتماعی ویژه‌ای را گردن نهند (Hechter, 1974, p.1154). از این دیدگاه ساختار روابط بین گروه‌های قومی فرادست و فرودست مشابه نحوه استثماری است که ماهیت روابط بین دولت‌های پیرامونی با دولت‌های مرکزی را در الگوهای نواستعماری روابط بین‌الملل مشخص می‌کند. در این الگو مرزهای قومی مطابق با خطوط معین اختلافات ساختاری است و در نتیجه آن، همبستگی قومی تشدید و تقویت می‌شود (Nielsen, 1985, p.133). هر جا هویت قومی و وضعیت اقتصادی با یکدیگر ارتباط می‌یابند، معنایی به هویت قومی می‌بخشند و تا زمانی به حیات خود ادامه می‌دهد که ارتباط بین وضعیت اقتصادی و نشانه‌های وابستگی باقی است. همبستگی قومی به‌منزله واکنش طرف پیرامونی که از نظر فرهنگی متمایز است، در مقابل استعمار مرکز تقویت می‌شود. از این رو جمعی از محققان به این پیامد تقسیم کار فرهنگی عنوان قومیت واکنشی را داده‌اند که از طریق آن انسجام قومی از رهگذر استثمار آشکار گروه فرودست توسط گروه فرادست تشدید می‌شود. در چنین وضعیتی، اختلافات قومی از بین نمی‌رود، بلکه ممکن است حتی بیان ظهور اقدامی جمعی از سوی اعضای گروه - قومی پیرامونی علیه قوم مرکزی را نیز فراهم آورد؛ چرا که هویت قومی نمی‌تواند از منافع اقتصادی و سیاسی افراد در درون یک نظام جدا باشد (Birch, 1978, p.326). الگوی «استعمار داخلی» و دیگر انواع «قومیت واکنشی» پیش‌بینی می‌کنند که تجدید حیات قومی در زمان تقسیم کار فرهنگی بیشتر ممکن به نظر می‌رسد، اما الگوی «رقابت قومی» ادعا و پیش‌بینی می‌کند که تجدید حیات قومی موقعی بسیار محتمل است که تقسیم کار فرهنگی را در هم شکند و نابرابری‌های گروهی را از بین ببرد (Nagel&Alzak, 1982, p.7&130). در نظامی یکدست و همسان، قومیت مبتنی بر رقابت زمانی پدیدار می‌شود که افراد گروه‌های مختلف در حال رقابت بر سر منافع یکسانی هستند (Nielsen, 1985, p.134). چنانکه جوامع نامتجانس فرهنگی، صنعتی می‌شوند، گسترش بازار اقتصادی در سطح کشور با افزایش فرایند بوروکراتیک شدن جامعه و دیگر ملزومات تجدد طبق قاعده بایستی به افزایش اعتبار و ارزش معیارهای جهانی و کنار گذاشتن نظام‌های قومی سنتی بر پایه شأن وابستگی منجر شود. آزادی افراد در انتخاب شغل و توزیع پاداش‌های اجتماعی براساس معیارهای عقلانی و اکتسابی صورت می‌گیرد که مرزهای قومیت را در می‌نوردد. یکی دیگر از دیدگاه‌های تبیین‌کننده بسیج سیاسی اقوام دیدگاه رقابت قومی است. این دیدگاه معتقد است نوسازی اجتماعی و ساختاری به دو طریق بر خرده‌ملتها و ملتها تأثیر می‌گذارد. اول نوسازی با تضعیف هویت‌های فرهنگی و ملی و خرد، تنوع قومی میان خرده‌ملتها و درون فرهنگ مسط را می‌کاهد. دوم نوسازی با تغییر دادن وضعیت رقابت میان اجتماعاتی که به لحاظ

سیاسی تعریف‌شدنی هستند، اهمیت هویت‌های قومی کلان را افزایش می‌دهد. مقاومت سازمان‌یافته در برابر مرکز زمانی پیش می‌رود که حول هویت کلان سازمان یابد. بنابراین نوسازی در واقع حیات سیاسی هویت‌های قومی را افزون می‌کند که بسیار وسیع تعریف شده باشند. بسیج سیاسی زمانی جرقه می‌زند که گروه‌های قومی (مسلط و تحت سلطه) مجبور می‌شوند برای منافع و منابع یکسانی با یکدیگر رقابت کنند (Ragin, 1979, p.622). یکی دیگر از دیدگاه‌های تبیین‌کننده بسیج سیاسی اقوام دیدگاه همگرایی قومی است. پارکین از نظریه‌پردازان عمده این دیدگاه معتقد است گروه‌های قومی در ابتدا با یکدیگر تماس^{۲۶} برقرار می‌کنند، سپس با هم رقابت^{۲۷} می‌کنند و بعد از آن با یکدیگر سازگاری^{۲۸} می‌کنند و در نهایت با هم همگرا^{۲۹} و ترکیب^{۳۰} می‌شوند. هرچه میزان همگرایی بیشتر باشد، میزان بسیج سیاسی قومی کاهش می‌یابد (Berry and Tischler, 1951, p.152).

نکته بسیار با اهمیت آن است که بسیاری از نظریه‌ها برای تبیین مسائل جامعه غرب تدوین شده است. از این رو استفاده آن نظریه‌ها به لحاظ نظری باید با ساختار جامعه ایران منطبق باشد. شاید بتوان گفت بر اساس مجموعه نظریه‌های دیگری که وجود دارد متغیرهای بی‌شماری را بتوان شناسایی کرد تا پدیده یادشده به لحاظ نظری تبیین شود. اما ضروری است از بین نظریه‌های متعدد فرضیه‌هایی را انتخاب کنیم که تبیین‌گر مسائل ایران باشد. در ایران پدیده محرومیت مناطق قومی اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد. بر اساس یافته‌های موجود، پدیده محرومیت در ایران با چند ویژگی خاص همراه است.

تمرکز و شدت محرومیت در مناطق خاص کشور

تطبیق شدت محرومیت با تمرکز جمعیتی قومی

نکات پیشین نشان می‌دهد که پدیده چرخه محرومیت نسبی در کشور علیه منطقه جغرافیایی و گروه‌های جمعیتی قومی خاص شکل گرفته است و تداوم آن نیز این نکته را طرح می‌کند که مدیریت تخصیص و توزیع غیربهمینه منابع در شکستن این چرخه موفق نبوده است. نکته دیگر آنکه با توجه به رانتی بودن دولت و تمرکز پاسخگویی به مطالبات و نیازها در حوزه دولت، جهت‌گیری اصلی تداوم این چرخه را متوجه دولت کرده است که در نگاهی بدبینانه مدیریت قومیت در کشور را با پدیده چرخه محرومیت نسبی از ناحیه توزیع منابع پیوند می‌زند.

26. Contact

27. Competition

28. Accommodation

29. Assimilation

30. Amalgamation

استان‌های سیستان و بلوچستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، لرستان و آذربایجان غربی، زنجان و اردبیل که هر کدام دربرگیرنده گروه جمعیتی قومی خاص هستند، در کمترین وضعیت توسعه‌یافتگی و بیشترین وضعیت محرومیت قرار دارند و تداوم این روند در دهه‌های گذشته (۵۵-۸۵) حاکی از آن است که بیشترین سهم این فرآیند برعهده مدیریت توزیع بوده است. اگر سهم عواملی مانند انقلاب، جنگ تحمیلی و متغیرهای محرومیت درون‌زا را در نظر بگیریم، باز هم وضعیت حاکی از تأثیر غیرمستقیم مدیریت اقوام بر شکل‌گیری و تشدید این چرخه بوده است. بنابراین می‌توان از بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با تأکید بر نظریه چرخه محرومیت نسبی رابطه بین محرومیت و برخی متغیرهای مستقل اشاره‌شده در این گزارش را به شرح زیر بیان کرد.

بُعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رابطه بین محرومیت و بسیج سیاسی واگرایانه اقوام را می‌توان رابطه‌ای مستقیم و مثبت در نظر گرفت که به صورت زیر نشان داده می‌شود:



بدیهی است محرومیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دو بعد مطالعه می‌شود. اولین بعد آن، نمود واقعی و عینی محرومیت مناطق مختلف قومی بر اساس شاخص‌های مختلف آماری است و نمود دوم تصور و ذهنیت افراد مناطق محروم از میزان محرومیت آنهاست که در شکل‌دهی بسیج سیاسی اقوام مؤثر است. در این مقاله نیز تلاش شده است بعد بین‌الذهانی آن مطالعه شود تا فاصله بین عقب‌ماندگی واقعی و میزان عقب‌ماندگی ذهنی مشخص شود و از این رهگذر بتوان نقش این متغیر بر بسیج سیاسی اقوام را تبیین کرد. بنابراین به دلایل یادشده امکان طرح این فرضیه مشخص وجود دارد که احساس محرومیت نسبی، استفاده از نخبگان قومی، تأکید بر اشتراکات مذهبی، احترام به زبان و آداب و رسوم، رعایت قانون مربوط به اقوام و میزان تمایل به بسیج سیاسی قومی رابطه وجود متغیر محرومیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقوام با هر سه دیدگاه تبیین می‌شود. قومیت در دیدگاه توسعه‌ای نوعاً منطقه‌ای منزوی و در حال افول است و در دیدگاه واکنش قومی استثمار عامل بسیج است. افول شاخصی از انباشت فلاکت و فقر و پیشرفت می‌تواند نشانی از راه جدید استثمار منابع قومیت توسط گروه مسلط باشد که خود به خود سبب پیرامونی شدن بیشتر می‌شود.

روش‌شناسی. روش مورد استفاده در مقاله حاضر فراتحلیلی است. جامعه آماری نیز تمامی مطالعات در دسترس است که به هویت ملی و قومی پرداخته است. واحد تحلیل نیز

عبارت است از هر پژوهشی که دارای متغیرهای مؤثر بر هویت ملی و قومی است که با معیارهای گزینش و ورود به فراتحلیل همخوانی داشته باشد. معیارهای گزینش مطالعات عبارت است از: ۱- مطالعه به هویت ملی و قومی و مباحث نزدیک به آن پرداخته باشد، ۲- مطالعه به ارزیابی تجربی متغیرهای مؤثر بر هویت قومی پرداخته باشد (مطالعات مروری و غیر تجربی در نظر گرفته نشده است)، ۳- مطالعه به صورت آزمایشی یا شبه‌آزمایشی دارای گروه کنترل یا دارای مقایسه مقادیر پیش‌آزمون و پس‌آزمون باشد (مطالعات همبستگی و الگوهای ساختاری کنار گذاشته شده است) و ۴- دست‌کم یکی از متغیرهای مؤثر اندازه‌گیری شده باشد. به‌کارگیری کلیدواژه‌های بسیج سیاسی اقوام، هویت قومی، گرایش‌های گریز از مرکز و همبستگی ملی در سایت‌های SID، Magiran، نامتن، گوگل و همچنین پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها جست‌وجو کردیم. در این فراتحلیل تلاش بسیاری شده است که تمامی مطالعاتی فراتحلیل شود که به مسائل قومی پرداخته است. به‌رغم این، محقق هیچ ادعایی مبنی بر این ندارد که به تمامی مطالعات دست یافته باشد. با وجود این معتقد هستیم که فرایند جست‌وجو که از موارد کلیدی در روش فراتحلیل است، بسیار دقیق و با ظرافت تمام صورت پذیرفته است. برای مثال مسئول جست‌وجوی مطالعات هرگز به جست‌وجوی اینترنتی اکتفا نکرده و تا حد امکان به محل دستیابی پروژه نیز مراجعه و جست‌وجوی جداگانه‌ای نیز در آنجا انجام داده است. برای یافتن کامل تحقیقات همچنین به پیشینه پژوهش جست‌وجو شده نیز مراجعه و رفته‌رفته مطالعات شناسایی شده است. در مواردی نیز برای دسترسی به منابع با نویسندگان یا ناشران تماس گرفته شده است. در مجموعه ده موضوع قومی وارد فراتحلیل شدند که با معیارهای ورود به فراتحلیل همخوانی داشتند و ۲۶ اندازه‌اثر از آنها استخراج شد. برای تحلیل داده‌ها نیز از دو نرم‌افزار SPSS و CMA^{۳۱} استفاده شده است.

پایایی ابزار اندازه‌گیری. شرط عینیت پژوهش، پایایی مقیاس‌ها و روش‌هاست. در فراتحلیل روش‌های مختلفی برای برآورد پایایی وجود دارد که منطق عمومی آنها بر پایه میزان توافق یا اختلاف بین کدگزاران بنا شده است. در فراتحلیل حاضر از ضریب کاپای کوهن^{۳۲} برای برآورد توافق بین کدگزاران استفاده شده است. ضریب کاپا بین +۱ تا -۱ تغییر می‌کند که مقدار +۱ در آن به معنی توافق کامل بین کدگزاران و -۱ به معنای عدم توافق و مقدار صفر نیز نشئت‌گرفته از تصادفی بودن توافق است (Marsh and et al., 2008). برای محاسبه ضریب کاپا، ابتدا پنج مطالعه به صورت تصادفی انتخاب و پرسش‌نامه معکوس مورد نظر توسط دو کدگزار

31. Comprehensive Meta-Analysis

32. Cohen's Kappa Coefficient

جداگانه پر شد و داده‌های حاصل در قالب یک ماتریس دوبعدی شامل کدگزاران و کدهای آنها تنظیم و در نهایت ضریب کاپا محاسبه شد. مقدار به‌دست آمده حدود ۰/۷۵ حاکی از پایایی مورد قبول و توافق بین کدگزاران بود. همچنین این ارزیابی اولیه مقالات فرصتی فراهم آورد که اختلافاتی که در تفسیرهای کدگزاران بود مجدداً بررسی و محل آنها شناسایی شود و به حداقل برسد.

۳. یافته‌ها و نتایج

در این بخش ابتدا به توصیف ویژگی‌های شکلی و روش‌شناسی مطالعات فراتحلیل شده در غالب مقادیر فراوانی و درصدی پرداخته می‌شود و سپس یافته‌های تحلیلی در رابطه با آزمون فرضیات در بخش بعدی ارائه خواهد شد.

۳-۱. یافته‌های توصیفی (بررسی مؤلفه‌های شکلی و روش‌شناسی مطالعات)

دوره زمانی و محل انتشار مطالعات. ده مطالعه فراتحلیل شده در محدوده زمانی بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۰ انجام شده است، به‌طوری‌که دو مورد (۲۰ درصد) قبل از سال ۱۳۸۲، سه مورد (۳۰ درصد) در هر یک از سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، دو مورد (۲۰ درصد) در هر یک از سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۹ و یک مورد (۱۰ درصد) نیز در سال ۱۳۹۰ انجام پذیرفته است. از این ده مطالعه، هشت مورد (۸۰ درصد) در استان تهران و دو مورد نیز در استان‌های دیگر اجرا شده است. شکل انتشار و روش اجرای مطالعات: شش مورد (۶۰ درصد) از مطالعات به‌صورت مقاله ژورنال و چهار مورد (۴۰ درصد) در قالب طرح پژوهشی و پایان‌نامه انتشار یافته است. روش اجرای این مطالعات نیز به‌عمدتاً پیمایشی بوده است. مقطع تحصیلی و جنس آزمودنی‌ها: مقطع تحصیلی هشت مورد (۸۰ درصد) از آزمودنی‌های مطالعات، شهروندان اقوام و دو مورد (۲۰ درصد) نیز دانشجویان بوده‌اند. مبنای نظری بسیج سیاسی اقوام، مطالعات فراتحلیل شده از الگوهای متفاوتی نیز بهره گرفته‌اند. هشت مورد از مطالعات (۸۰ درصد) از الگوی نظریه‌های بسیج سیاسی به‌طور عام نظیر اوبرشال، چارلز تیلی و دو مورد (۲۰ درصد) از رویکردهای خاص اقوام نظیر واکنش قومی استفاده کرده‌اند و چهار مطالعه نیز الگوی مشخصی ندارد. روش نمونه‌گیری مطالعات، نه مورد از مطالعات از روش تصادفی برای انتخاب آزمودنی‌ها و یک مورد نیز از روش غیرتصادفی و نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب آزمودنی‌ها استفاده کرده است. از میان روش‌های نمونه‌گیری تصادفی نیز چهار مورد (۴۰ درصد) از مطالعات از روش تصادفی ساده و پنج مورد نیز از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده کرده‌اند.

پایایی مطالعات. در بررسی پایایی مطالعات مورد نظر نیز از روش‌های متفاوتی استفاده

شده است. از ده مطالعه فراتحلیل شده، پنج مورد (۵۰ درصد) از آلفای کرونباخ، دو مورد (۲۰

درصد) از روش دونیم‌سازی به همراه آلفای کرونباخ، سه مورد (۳۰ درصد) از روش بازآزمایی به همراه آلفای کرونباخ به‌منظور بررسی پایایی استفاده کرده‌اند.

اعتبار مطالعات. پنج مورد (۵۰ درصد) از مطالعات از روش اعتبار صوری، چهار مورد از روش اعتبار سازه‌ای (تحلیل عاملی) و یک مورد نیز از هر دو روش اعتبار صوری و سازه‌ای استفاده کرده‌اند.

اثر کلی یافته‌های تبیینی. یکی از سؤالات تحقیق حاضر این است که آیا در مجموع متغیرها اندازه‌اثر یکسانی بر بسیج سیاسی هم‌گرایانه اقوام یا هویت قومی و همبستگی ملی دارند؟. نتایج تلفیق شده از کلیه تحقیقات در جدول شماره دو آورده شده است. مقدار آماره Q (۳۸۴/۹۰۳) با درجه آزادی ۲۶ معنادار است ($P=0.000$) که از ناهمگون بودن اندازه اثرها حاکی است. بنابراین توصیه صاحب‌نظران فراتحلیلی استفاده از نتایج الگوی اثر تصادفی و بررسی دلایل این ناهمگونی است. مقدار اندازه‌اثر الگوی اثر تصادفی برابر با ۰/۷۰۸ است ($d=0.708$) که به لحاظ آماری نیز معنادار است ($Z=7.209, P=0.000$). در واقع پاسخ به سؤال یادشده بر اساس یافته‌های تحقیق «مثبت» است. به عبارت دیگر می‌توان با بیش از ۹۵ درصد اطمینان آماری گفت که متغیرهای شناسایی شده بر بسیج سیاسی هم‌گرایانه اقوام و هویت ملی اثربخش و میزان تأثیر آن نیز ۰/۷۰۸ است که به لحاظ اندازه مقدار آن متوسط است.

نگاره شماره (۲) - نتایج تلفیق و همگنی اندازه‌اثر متغیرهای شناسایی شده بر

بسیج سیاسی هم‌گرایانه اقوام و هویت ملی

الگو	تعداد	مقدار اندازه‌اثر	حد پایین	حد بالا	مقدار Z	معناداری	مقدار Q	درجه آزادی	معناداری
الگوی اثر تصادفی	۲۶	۰/۷۰۸	۰/۳۴۵	۰/۷۷۱	۷/۲۰۹	۰/۰۰۰	۳۸۴/۹۰۳	۲۶	۰/۰۰۰

(منبع: نویسندگان)

بررسی دلایل ناهمگونی اندازه اثرها (آزمون فرضیات): در این بخش به آزمون فرضیات و بررسی تأثیر متغیرهای مستقل در میزان بسیج سیاسی هم‌گرایانه اقوام و هویت ملی پرداخته می‌شود. برای آزمون فرضیات دو روش آماری عمده شامل تحلیل واریانس و فرارگرسیون^{۳۳} در

نرم‌افزار CMA2 در نظر گرفته شده است. تحلیل واریانس برای متغیرهای مستقل غیرفاصله‌ای (طبقه‌ای) و فرارگرسیون برای متغیرهای فاصله‌ای مانند تبعیض اقتصادی استفاده می‌شود. نتایج آماری و تفسیر آن به تفکیک فرضیات در ذیل ارائه شده است.

فرضیه ۱: تحقیقات مسائل هویت قومی و ملی که بر مبنای نظری ساخته و پرداخته شده است، در مقایسه با تحقیقاتی که فاقد مبنای نظری است، اندازه‌اثر بیشتری دارد و اندازه‌اثر بزرگ‌تری را به وجود می‌آورد.

نگاره شماره (۳) نتایج آزمون آماری تأثیر داشتن/نداشتن مبنای نظری

نتیجه	P-value	درجه آزادی	آماره Q	P	مقدار Z	مقدار اندازه‌اثر	تعداد اندازه‌اثر	مبنای نظری
تأیید تأیید فرضیه	۰/۰۰۵	۱	۷/۹۰۹	۰/۰۰۰	۷/۱۱۱	۰/۵۷۹	۲۱	دارد
				۰/۰۰۱	۳/۳۴۲	۰/۰۵۲۰	۵	ندارد
-	-	-	-	۰/۰۰۰	۷/۲۹۹	۰/۷۰۸	۲۶	کل

(منبع: نویسندگان)

نتایج نگاره شماره (۳) نشان می‌دهد تحقیقات مسائل هویت قومی که بر مبنای الگوی نظری ساخته و پرداخته می‌شود در مقایسه با تحقیقات مسائل هویت قومی و ملی که فاقد مبنای نظری است، در هویت ملی اثربخش‌تر است. در مجموع تحقیقات مسائل هویت قومی و ملی دارای مبنای نظری اندازه‌اثری به بزرگی $۰/۶۷۹$ ($d=0.679$) تولید کرده‌اند؛ درحالی‌که اندازه‌اثر تحقیقات مسائل هویت قومی و ملی فاقد مبنای نظری $۰/۳۰۷$ ($d=0.307$) است. همچنین تفاوت معناداری در اندازه‌اثرهای دو گروه وجود دارد؛ آماره Q با مقدار $۷/۹۰۹$ با درجه آزادی ۱، معنادار است ($P=0.005$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت نه تنها تحقیقات مسائل هویت قومی و ملی دارای مبنای نظری از تحقیقات فاقد مبنای نظری اثربخش‌تر است، بلکه تفاوت معناداری نیز بین دو گروه وجود دارد. فرضیه دوم، استفاده از نخبگان قومی به کاهش گرایش‌های گریز از مرکز قومیت‌ها، یعنی تقویت هویت ملی و بسیج سیاسی همگرایانه کمک می‌کند. در واقع نیازهای اقوام در مواردی که از نخبگان گروه‌های قومی در مناسب سیاسی بهره گرفته شده باشد، در تعامل میان دولت و اقوام به نحو بهتری به دولت منتقل شده است. مواردی که از نخبگان استفاده شده است در مقایسه با مواردی که از آنها استفاده نشده است، بر هویت ملی تأثیر بیشتری داشته است.

نگاره شماره (۴) - نتایج آزمون آماری تأثیر استفاده از نخبگان قومی بر کاهش گرایش‌های گریز از مرکز قومیت‌ها

نتیجه	P-value	درجه آزادی	آماره Q	P	مقدار Z	مقدار اندازه اثر	تعداد اندازه اثر	نخبگان قومی استفاده از
تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	۲	۱۷۵۹۱	۰/۰۰۰	۷/۱۸۵	۱/۲۱۴	۱	استفاده شده در حد بالا
				۰/۰۰۰	۵/۶۶۰	۰/۸۱۷	۷	استفاده شده متوسط
				۰/۰۰۰	۵/۴۷۸	۰/۳۵۰	۱۸	استفاده نشده
	-	-	-	۰/۰۰۰	۷/۳۹۹	۰/۷۰۸	۲۶	کل

(منبع: نویسندگان)

اندازه اثر موارد استفاده شده ۱/۱۱۴ ($d=1.114$) است. همچنین تأثیر همگی موارد استفاده شده به لحاظ آماری معنادار است. با وجود این تفاوت معناداری بین اندازه‌اثرها وجود دارد ($Q=17.591$, $df=2$, $P=0.000$). فرضیه سوم، تأکید بر اشتراکات مذهبی کمک بیشتری به هویت ملی و بسیج سیاسی همگرایانه می‌کند. در مذهب همواره اشتراکات و افتراقاتی وجود دارد که در صورت تأکید بر افتراقات تخم کینه و نفرت نسبت به هم‌نوع خود بیشتر و در صورت تأکید بر اشتراکات مذهبی حس انسانیت و تعلق ملی در افراد تقویت می‌شود.

نگاره شماره (۵) - نتایج آزمون آماری تأثیر ابزارهای تأکید بر اشتراکات مذهبی

نتیجه	P	مقدار Z	اشتباه استاندارد	ضریب رگرسیونی	متغیر
تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	۹/۹۱	۰/۰۱۰	۰/۱۰۱	تأکید بر اشتراکات مذهبی
	۰/۰۰۰	۷/۱۲	۰/۰۳۰	۰/۲۱۵	مقدار ثابت

(منبع: نویسندگان)

نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که هرچه تعداد تأکید بر اشتراکات مذهبی بیشتر باشد، در اثربخشی بر هویت ملی بهتر عمل می‌کند. معادله رگرسیونی آن نیز به شرح زیر است: $Y=0.215+0.101(X)$ که در آن Y هویت ملی و X تعداد تأکید بر اشتراکات مذهبی است. تأکید بر اشتراکات مذهبی اندازه‌اثری به بزرگی $0/316$ (d) تولید می‌کند. فرضیه چهارم، هرچه احساس تبعیض اقتصادی و فرهنگی بیشتر و طولانی‌تر باشد، اندازه‌اثر آن نیز بزرگ‌تر است. به عبارت دیگر رفع احساس تبعیض و محرومیت به بسیج سیاسی همگرایانه و همبستگی ملی کمک بیشتری می‌کند. در صورت وجود احساس تبعیض از اثربخشی دیگر برنامه‌های هویت‌افزایی کاسته می‌شود.

نگاره شماره (۶) - نتایج آزمون آماری تأثیر احساس تبعیض اقتصادی و فرهنگی

نتیجه	P	مقدار Z	اشتباه استاندارد	ضریب رگرسیونی B	متغیر
تأیید فرضیه	۰/۰۰۱	۷/۹۵	۰/۰۱۲	۱/۱۰۳	احساس تبعیض و محرومیت
	۰/۰۰۰	۴/۲۸	۰/۰۳۲	۰/۰۱۷	مقدار ثابت

(منبع: نویسندگان)

ضریب رگرسیونی برای متغیر احساس تبعیض و محرومیت بر میزان بسیج سیاسی همگرایانه و هویت ملی بسیار بالا و به لحاظ آماری نیز معنادار است. بدین ترتیب فرضیه تأثیر احساس تبعیض اقتصادی و فرهنگی بر میزان بسیج سیاسی همگرایانه تأیید می‌شود. فرضیه پنجم، هرچه احترام به آداب، رسوم و زبان قومی از سوی گروه قومی مسلط بیشتر باشد، اندازه‌اثر آن نیز بیشتر است. به عبارت دیگر احترام به آداب، رسوم و زبان قومی به بسیج سیاسی همگرایانه و همبستگی ملی کمک می‌کند. در واقع محققانی که از متغیر پیشین به منزله متغیر اثرگذار استفاده کرده‌اند، بر نقش اثرگذار این متغیر بر هویت قومی بیشتر واقف شده‌اند.

نگاره شماره (۷) - نتایج آزمون آماری تأثیر احترام به آداب، رسوم و زبان قومی

نتیجه	P	مقدار Z	اشتباه استاندارد	ضریب رگرسیونی B	متغیر
تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	۳/۶۰	۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	احترام به آداب، رسوم و زبان قومی
	۰/۰۰۰	۱۴/۹۲	۰/۰۴۱	۰/۷۲۱	مقدار ثابت

(منبع: نویسندگان)

نتایج نشان می‌دهد هرچه احترام به آداب، رسوم و زبان قومی بیشتر باشد، بسیج سیاسی همگرایانه و همبستگی ملی بیشتر خواهد بود. ضریب رگرسیونی برای متغیر احترام به آداب، رسوم و زبان قومی ۱۴ درصد است که به لحاظ آماری نیز معنادار است ($B=0.014$, $P=0.000$). معادله رگرسیونی نیز به صورت زیر خواهد بود: $Y=0.721+0.014(X)$. در این معادله رگرسیونی، Y بسیج سیاسی همگرایانه و X احترام به آداب، رسوم و زبان قومی است.

فرجام

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای مستقل شناسایی شده در تحقیقات بر بسیج سیاسی همگرایانه اقوام مؤثر بوده است. مقدار اندازه‌اثر تلفیق شده $d=0.708$ و به لحاظ آماری معنادار است. از آنجا که این مقدار در دامنه‌ای بین $0/8$ تا $0/7$ قرار دارد، طبق دسته‌بندی کوهن^{۳۴} (۱۹۷۷) متوسط ارزیابی می‌شود. آماره Q نیز که برای ارزیابی همگونی اندازه‌اثرها به کار می‌رود، نشان می‌دهد که اندازه‌اثرها ناهمگون‌اند که در چنین وضعیتی توضیح این ناهمگونی در دستور کار فراتحلیلگر قرار می‌گیرد. در فراتحلیل حاضر نیز با بررسی و مرور فراتحلیل‌هایی که در بسیج سیاسی اقوام و هویت ملی صورت پذیرفته است، پنج متغیر بالقوه که می‌تواند در تبیین این ناهمگونی مؤثر واقع شود، شناسایی و در قالب پنج فرضیه آزموده شد. برای آزمون فرضیات نیز از نرم‌افزار CMA2 استفاده شده است.

نتایج نشان می‌دهد تحقیقات مسائل بسیج سیاسی اقوام و هویت ملی که بر مبنای الگوی نظری ساخته و پرداخته می‌شود در مقایسه با تحقیقات مسائل هویت قومی و ملی که فاقد مبنای نظری است، در هویت ملی اثربخش‌تر است. در مجموع تحقیقات مسائل هویت قومی و ملی دارای مبنای نظری اندازه‌اثری به بزرگی $d=0/708$ (تولید کرده‌اند؛ درحالی‌که اندازه اثر تحقیقات مسائل هویت قومی و ملی فاقد مبنای نظری $d=0.307$) است. همچنین تفاوت معناداری در اندازه‌اثرهای دو گروه وجود دارد؛ آماره Q با مقدار $7/909$ با درجه آزادی ۱، معنادار است ($P=0.005$). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت نه تنها تحقیقات مسائل هویت قومی و ملی دارای مبنای نظری از تحقیقات فاقد مبنای نظری اثربخش‌تر است، بلکه تفاوت معناداری نیز بین دو گروه وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد استفاده از نخبگان قومی به کاهش بسیج سیاسی همگرایانه یعنی تقویت هویت ملی کمک می‌کند. در واقع نیازهای اقوام در مواردی که از نخبگان گروه‌های قومی در مناسب سیاسی بهره گرفته شده باشد، در تعامل میان دولت و اقوام به نحو بهتری به دولت منتقل شده است. مواردی که از نخبگان در مناسب سیاسی استفاده شده در مقایسه با مواردی که از آنها استفاده نشده است بر هویت ملی

اثربخش تر است. اندازه‌اثر موارد استفاده‌شده $1/114$ (d=1.114) است. همچنین تأثیر همگی موارد استفاده‌شده به لحاظ آماری معنادار است. با وجود این تفاوت معناداری بین اندازه‌اثرها وجود دارد (Q=17.591, df=2, P=0.000). نتایج نشان می‌دهد که هرچه تعداد تأکید بر اشتراکات مذهبی بیشتر باشد در اثربخشی بر هویت ملی بهتر عمل می‌کند که در آن Y هویت ملی و X تعداد تأکید بر اشتراکات مذهبی است. تأکید بر اشتراکات مذهبی اندازه‌اثری به بزرگی $0/316$ (d=0.316) تولید می‌کند. نتایج نشان می‌دهد هرچه احساس تبعیض اقتصادی و فرهنگی بیشتر و طولانی‌تر باشد، اندازه‌اثر آن نیز بزرگ‌تر است. به عبارت دیگر رفع احساس تبعیض و محرومیت به بسیج سیاسی همگرایانه و همبستگی ملی کمک بیشتری می‌کند. در صورت وجود احساس تبعیض از اثربخشی دیگر برنامه‌های هویت‌افزایی کاسته می‌شود. ضریب رگرسیونی برای متغیر احساس تبعیض و محرومیت بر میزان بسیج سیاسی همگرایانه و هویت ملی بسیار بالا و به لحاظ آماری نیز معنادار است. بدین ترتیب فرضیه تأثیر احساس تبعیض اقتصادی و فرهنگی بر میزان بسیج سیاسی همگرایانه تأیید می‌شود. نتایج نشان می‌دهد هرچه احترام به آداب، رسوم و زبان قومی بیشتر باشد، بسیج سیاسی همگرایانه و همبستگی ملی بیشتر خواهد بود. ضریب رگرسیونی برای متغیر احترام به آداب، رسوم و زبان قومی $0/14$ (B=0.014, P=0.000) در مجموع می‌توان گفت که برای افزایش بسیج سیاسی همگرایانه و همبستگی ملی باید اجرای سیاست مشارکت نخبگان اقوام در مسائل سیاسی، کاهش تبعیض اقتصادی و محرومیت، احترام به حقوق، رسوم، زبان و مذهب تأکید کرد؛ زیرا نتایج فراتحلیل حاضر نشان می‌دهد متغیرهای شناسایی شده در بسیج سیاسی همگرایانه اقوام مؤثر است. بر اساس یافته‌های دیگر پژوهش حاضر نیز بایستی به متغیرهایی در طراحی پروژه‌های تحقیقی توجه کرد که در بسیج سیاسی همگرایانه اقوام تأثیر دارند. چنانچه طرح پژوهشی تدوین شد، از مبانی نظری منسجم و مرتبط با موضوع استفاده شود. رویکرد تعاملی میان نخبگان اقوام به منظور انتقال تقاضاها، نیازها و خواست‌های اقوام و دولت تقویت شود. بدیهی است، عدم ارتباط با اقوام و خواست‌های آنها موجب سرکوب غرایز و نیازهای اقوام خواهد شد که خود زمینه‌ساز انواع نارضایتی از دولت می‌شود. احترام همه‌جانبه گروه قومی مسلط بر رسوم، آداب، زبان و مذهب اقوام غیر مسلط ضرورتی انکارنشدنی است. نتایج نشان می‌دهد هرچه احترام بیشتر می‌شود، بسیج سیاسی همگرایانه اقوام تقویت و هرچه احترام متقابل کمتر می‌شود، بسیج سیاسی واگرایانه تقویت می‌شود.

منابع فارسی

احمدی، حمید (۱۳۷۹)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت*، تهران: نشر نی.

- برتون، رولان، (۱۳۸۰)، *قوم‌شناسی سیاسی*، ترجمه دکتر ناصر فکوهی، تهران، نشر نی
- بشیریه، حسین (۱۳۷۵)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: نشر نی
- پناهی، حسین (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی انقلاب*، نشر ثالث
- چلبی و همکاران، (۱۳۷۸)، *هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران*، طرح پژوهشی، وزارت کشور.
- شریفی حسن پاشا و نسترن شریفی (۱۳۹۰)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، ویرایش اول، چاپ هشتم
- طالبان، محمدرضا و مهدی رفیعی بهابادی (زمستان ۱۳۹۰)، ارزیابی تجربی نظریه اینگلهارت در ایران: ارتباط توسعه با دینداری، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۵۵، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۹۰
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، *جهانی شدن - هویت*، فرهنگ، تهران: نشر نی.

منابع لاتین

- Berry and Tischler, 1951, *Race and Ethnic Relations*. Houghton Mifflin Company, 1978 - Social Science -.
- Birch, D. (1978), *The Dynamics of Achievement-Oriented*, New York: Van Nostrand.
- Cohen, J. (1977), *Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences*, (Rev. Ed). New York: Academic Press.
- Hechter, M. (1974), *The Sociology of Ethnicity*.
- Hedges, L.V & Olkin, I. (1985), *Statistical Method in Meta-Analysis*, Academic Press.
- Hedges, L.V. (1982), *Statistical Methodology in Meta-Analysis*, National Inst of Education, Washington, D.C. (ERIC Document Reproduction Service No.227133)
- Lyfr (1981), *Encoding / Decoding*, In "Media and Cultural Studies: Key Works" Edited by Meenakshi Gigi Durham and Douglas M. Kellner, Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Marsh, H. & Omara, A. and Malmberg, L.E (2008), "Meta-Analysis: Session 3.3: Inter-rater Reliability, Funded Through the ESRC Researcher", Development Initiative.
- Nagel, Robert and Amlani Alzak (1982), Theories of the Policy Process, *Journal of European Public Policy*.

- Nielsen F. (1985), *Toward a theory of Ethnic Solidarity in Modern Societies*, American Sociological Review.
- Ragin, Charles (1979), "Ethnic Political Mobilization The Welsh Case", *American Sociological*, Vol. 44:619-635
- Rosenthal, R (1991), *Meta- Analytic Procedures for Social Research*, Beverly Hills, (A) sage.
- Saeid and Simmons (1976), "Ethnicity in an International Context", *New Brunswick*, Transaction Press.
- Ted Gurr, (1994), *Ethnopolitical*, Conflict and the Changing World System. University of Maryland.
- Wolf, F.M (1987), "Meta - Analysis: Quantitive Methods for Research Synthesis", *Beverly Hills*, (A: sage).

